

یار یا بار ورزش...؟

اختلافاتی که در برخی از رشته ها و جامعه ورزش وجود دارد از مدت ها قبل موجبات نگرانی دوستداران ورزش را فراهم کرده است. این اختلافات نوعی تیشه زدن به ریشه ورزش و رشته های مختلف به شمار می رود. چه عواملی می تواند در بروز و دامن زدن به این اختلافات نقش داشته باشد و چرا در چنین مواقعی هیچ کدام از طرفین به عقب نشینی از مواضع خود تن نمی دهند و بر گفته های خود پافشاری می نمایند.

آیا نباید در چنین مواقعی به خاطر ورزش، جوانان و دوستداران هر رشته در راستای خواست و نیاز آنها گام برداشته شود و با کُتاه آمدن و چشم پوشی از خواست ها به ورزش خدمت نمایند؟ آیا در پشت این قبیل رفتارهای شک بر انگیز و سوال برانگیز جا خوش نکرده است؟ چرا در رشته هایی که بوی اختلاف از آنها به مشام می رسد فضا برای نفس کشیدن فقط در اختیار تعداد معدودی از افراد و نورچشمی ها قرار می گیرد؟

چرا به جای در پیش گرفتن وحدت و همدلی و افزایش روحیه و میزان همکاری بر خلاف اصول مدیریتی و ضرورت های کار جمعی رو به اختلاف و درگیری می آورند و در بعضی موارد هم عبارات و تعابیری بر علیه یکدیگر به کار می برند که موجب شگفتی و سخت باعث تاسف می شود.

این دعوا ها برسر چیست؟ آیا این اختلافات و درگیری ها بر سر مسائل کاری است و از سر خیرخواهی و دلسوزی برای ورزش است و به خاطر رقابت بر سر خدمت و نوکری مردم و جامعه ورزش است؟ و یا همه اش از خودخواهی و منیت ناشی می شود؟

اگر خدمت به ورزش و جوانان مورد نظر باشد و اگر خدمت بی منت و بی مزد و موجب را افتخار می دانیم و اگر در کار و برنامه و اجرای آنها با مخالفت هایی مواجه می شویم چرا اصرار بر ماندن و ادامه فعالیت داریم؟

هر کسی که در ورزش دستی بر آتش دارد با نگاه خودش و با حلاجی و تحلیل مسائل می تواند به پاسخی در این باره دست پیدا بکند اما پاسخ هرچه باشد، واقعیت غیر قابل کتمان و کاملاً روشن برای اهالی ورزش و خاک خوردهگان و کارشناسان واقعی این است که با تحمیل خود بر ورزش و اداره امور هیات ها نمی توان ادعای خدمت کردن داشت.

آیندگان در مورد افرادی که برای خود و اطرافیان‌شان در رشته مختلف مشکل می‌آفرینند و در مسیر رو به جلو سد ایجاد می‌کنند و با سر هم کردن یک سری آمار و ارقام مسئله دار خود را خدمتگذار و موفق در امر خدمت رسانی قلمداد می‌نمایند چگونه قضاوت خواهند کرد؟

کسانی که بعد از چهارسال حضور در راس یک هیات ورزشی برای پیشکسوتان و بخش عظیمی از ورزشکاران ناشناخته باشد و عامل ایجاد حاشیه در رشته ورزشی مختص به هیات باشد آیا می‌تواند ادعا بکند فردی موفق، خدمتگذار و عاشق پیشرفت است؟ نمی‌دانم شاید ما اشتباه می‌کنیم که معتقدیم اختلافات باید از هیات‌های ورزشی رخت بریندند و به جای آنها صفا و صمیمیت و یک رنگی حاکم گردد.. اینکه ناشناخته‌ها و قدرت‌طلبان دست از یقه هیات‌های ورزشی بکشند و اجازه بدهند خدمتگذاران بی‌منت رشته امور را به دست بگیرند.

افرادی که به هیچ روش و طریقی نمی‌خواهند دست از سر هیات‌های ورزشی بردارند و به دنبال کار و زندگی خود رفته و کار را به اهلش بسپارند باید بدانند در این چند روزی که میهمان ورزش هستند یار آن باشند و بار آن نباشند.

اگر نتوانسته‌اند برای هیات‌های ورزشی ما یاری صدیق و صمیمی باشند صحنه را برای حضور یارانی مخلص و توانا خالی کنید و بیش از این برای ماندن و ضربه زدن به ورزش و دورغ بستن به اینن و ان اقدام نکنید.